

نقد کتاب حقوق بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل

توکل حبیب‌زاده*

چکیده

کتاب حقوق بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل را علی‌امیدی در سال ۱۳۸۸ به‌رشته تحریر درآورده و نشر میزان آن را منتشر کرده است. این کتاب بنابه اظهار خود مؤلف به‌منزله یک منبع درسی و نیز کمک‌درسی، برای آمادگی آزمون کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، تهیه شده است. همین هدف از نگارش آن بر سطح علمی اثر موردنظر تأثیر گذاشته، به‌گونه‌ای که آن را از کتاب درسی دانشگاهی دارای استانداردها و معیارهای پذیرفته‌شده، که حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل را به‌صورت مستند و علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، دور کرده است. علاوه بر برخی ایرادات شکلی، این اثر به‌لحاظ ماهوی نیز از خلأها و نواقصی رنج می‌برد؛ از جمله استفاده نکردن از منابع دست‌اول، نداشتن فهرست مطالب منطقی و منسجم، دقت نکردن در عناوین بعضی از فصول، تناسب نداشتن کمی بین فصول. امید آن می‌رود که مؤلف در چاپ‌های بعدی ارزیابی انجام‌گرفته را به‌منظور ارتقای سطح علمی اثر موردتوجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل، نقد کتاب، کتاب درسی.

۱. مقدمه

باتوجه به نقش علوم انسانی در اعتلای فرهنگی جوامع و اهمیت و ضرورت آگاهی متولیان و صاحب‌نظران امور آموزشی و فرهنگی از مضمون و محتوای منابع دروس رشته‌های علوم انسانی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی^۱ همت گمارده تا متون و کتب درسی و کمک‌درسی رشته‌های علوم انسانی، به‌ویژه در سطوح دانشگاهی، را مورد ارزیابی و نقد

* دانشیار و مدیر گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، thabibzadeh@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵

علمی قرار دهد، زیرا این متون و کتب دانشگاهی ضمن آن‌که به بهترین وجه وضعیت علوم انسانی در کشور را نشان می‌دهند، سرچشمه و الهام‌بخش فرهنگ آموزشی و تربیتی در جامعه تلقی می‌شوند و می‌توانند پی‌آمدهای عملی انکارناپذیری در سطح کلان جامعه داشته باشند.

نقد و ارزیابی کتب درسی دانشگاهی در حوزه علوم انسانی می‌تواند با شناسایی و برجسته‌کردن نکات مثبت و منفی، به‌لحاظ شکلی و ماهوی، موجود در این متون، به بهبود و ارتقای امتیازات و رفع نواقص و خلأهای احتمالی آن‌ها کمک شایانی کند و در نتیجه اسباب ارتقای سطح آموزشی در دانشگاه‌ها را فراهم کند.

از کتاب‌هایی که به‌منزله منبع درسی و کمک‌درسی برای درس حقوق بین‌الملل توسط نشر میزان منتشر شده است، کتاب *حقوق بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل* است که علی‌امیدی در سال ۱۳۸۸ آن را نگاشته است. نوشته حاضر ثمره بررسی و ارزیابی شکلی و ماهوی این کتاب است که کوشیده تا با رعایت جانب انصاف و با هدف کمک به بهبود و ارتقای نکات مثبت و نشان‌دادن بعضی ایرادات شکلی و ماهوی چاپ سال ۱۳۸۸ آن اثر موردنظر را به بوتۀ نقد علمی بگذارد. امید آن می‌رود که مؤلف نکات مندرج در این نوشته را با سعه صدر علمی موردعناایت قرار دهد.

۲. معرفی اثر

این اثر با عنوان *حقوق بین‌الملل؛ از نظریه تا عمل* در نوزده فصل و در ۴۴۷ صفحه در سال ۱۳۸۸ به‌رشته تحریر درآمده و نشر میزان در هزار نسخه آن را منتشر کرده است. عناوین فصول آن عبارت‌اند از فصل اول، کلیات؛ فصل دوم، فلسفه حقوق بین‌الملل؛ فصل سوم، رابطه میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی؛ فصل چهارم، منابع حقوق بین‌الملل؛ فصل پنجم، شخصیت بین‌المللی؛ فصل ششم، جایگاه شناسایی در حقوق بین‌الملل؛ فصل هفتم، اکتساب سرزمین؛ فصل هشتم، صلاحیت؛ فصل نهم، حقوق دیپلماتیک؛ فصل دهم، حقوق معاهدات بین‌المللی؛ فصل یازدهم، حقوق دریاها؛ فصل دوازدهم، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات؛ فصل سیزدهم، حقوق جنگ؛ فصل چهاردهم، حقوق بین‌الملل کیفری؛ فصل پانزدهم، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اتباع بیگانه و محیط زیست؛ فصل شانزدهم، حقوق بشر؛ فصل هفدهم، حقوق هوا و فضا؛ فصل هجدهم، سازمان‌های بین‌المللی؛ فصل نوزدهم، ایران و سازمان ملل متحد.

در مقدمه کلی کتاب، نویسنده ضمن اشاره به سابقه تحصیلات و تجربه تدریس خود، در دو حوزه روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل، به هدف خود از نگارش آن اشاره کرده و می‌نویسد:

نگارنده کتاب حاضر سعی کرده است بین این دو دیدگاه (نگاه حقوق‌دانان به حقوق بین‌الملل به‌عنوان مجموعه قواعد الزام‌آور و نگاه علمای سیاست به حقوق بین‌الملل به‌مثابه مجموعه قواعد قراردادی که دولت‌ها به‌طور موقت برای پیش‌برد امور وضع کرده‌اند) پل بزنند و حقوق بین‌الملل را برای فهم روابط بین‌الملل بسیار ضروری ارزیابی می‌کند و آن را صرفاً یک دسته قواعد قراردادی و تحمیلی از سوی قدرت‌های بزرگ نمی‌داند.

در ادامه، بیان می‌کند که این کتاب از سنخ کتاب مرحوم هوشنگ مقتدر (۱۳۹۲)، البته روزآمدتر و کامل‌تر، است. سپس، در تبیین یکی از ویژگی‌های کتاب اعلام می‌کند که برای نگارش آن از سؤالات تستی حقوق بین‌الملل پانزده سال آزمون کارشناسی ارشد استفاده و سعی کرده که پاسخ تست‌های مربوط در متن کتاب درج شود. بنابراین، کتاب مزبور در عین حال که می‌تواند به‌منزله یک منبع درسی مورداستفاده قرار بگیرد، منبع کمک‌درسی برای آمادگی آزمون کارشناسی ارشد است (امیدی ۱۳۸۸: ۱۶).

در ارزیابی همین نکاتی که به‌منزله هدف از نگارش کتاب بیان شده و در عین حال مسیری را که در تألیف آن طی شده نشان می‌دهد، موارد ذیل قابل ذکر است:

نخست، درخصوص این نکته که علمای سیاست حقوق بین‌الملل را فقط مجموعه قواعد قراردادی موقتی می‌دانند، حتی یک منبع ارائه نشده است تا نویسنده یا عالم سیاست موردنظر مشخص شود. دوم، اعلام این که مؤلف حقوق بین‌الملل را فقط مجموعه قواعد تحمیلی از سوی قدرت‌های بزرگ نمی‌داند، تعبیر دقیق و علمی در یک کتاب درسی دانشگاهی نیست. شاید در گذشته‌های دور بعضی از نویسندگان حقوق بین‌الملل برخلاف گزاره مزبور اظهار نظر کرده باشند، اما در دوره معاصر کسی خلاف آن را ادعا نمی‌کند. اگر هم نوشته یا نظری باشد، به قدری شاذ است که ارزش توجه ندارد. سوم، کتابی که به‌منزله منبع درسی در سطح دانشگاه معرفی شده، نباید با هدف پاسخ به سؤالات تستی آزمون ورودی دانشگاه به‌نگارش درآید.

بنابراین، کتاب حاضر هم‌چنان که از محتوی آن نیز برمی‌آید و در ادامه پیش‌تر به آن خواهیم پرداخت، در همان سطح پاسخ‌دهی به سؤالات تستی آزمون ورودی کارشناسی ارشد موضوعات حقوق بین‌الملل را بررسی کرده است. بنابراین، از یک کتاب درسی

دانشگاهی برخوردار از استانداردها و معیارهای پذیرفته‌شده که حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل را به صورت مستند و علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، فاصله دارد.

۳. نقد و ارزیابی شکلی

مقدمه کلی این اثر بیش‌تر به پیش‌گفتار شبیه است که بیان هدف و مسیر منتهی به نگارش کتاب در آن تصریح شده است. فصول کتاب مقدمه دارد. فهرست مطالب کتاب به صورت تفصیلی تهیه شده، اما فهرست اجمالی مطالب درج نشده است. مؤلف، برای تفهیم بیش‌تر، از تصویر و نمودار استفاده کرده است؛ از جمله تصاویر برخی از شخصیت‌های بین‌المللی و نویسندگان به نام حقوق بین‌الملل و نیز نمودار خلاصه مطالب برخی از فصول، مانند نمودار درختی حقوق معاهدات (امیدی ۱۳۸۸: ۱۵۳) یا نمودارهای مربوط به ترسیم حدود مناطق مختلف دریایی (همان: ۱۷۶-۱۸۱، ۲۰۴-۲۰۷).

این کتاب خلاصه فصول و جمع‌بندی و تمرین ندارد که معمولاً طرح تعدادی سؤال در پایان هر فصل می‌تواند در ارزیابی یادگیری دانشجویان ثمربخش باشد. از طرف دیگر، نه تنها منابعی برای مطالعه بیش‌تر در هر فصل معرفی نشده، در پایان اثر نیز کتاب‌شناسی تهیه و درج نشده است. آنچه با عنوان کتاب‌نامه در آخر کل متن نوشته شده است، نمایه منابع استفاده‌شده در کتاب است، اما کتاب نمایه اعلام و نمایه موضوعی ندارد.

طرح جلد کتاب متوسط ارزیابی می‌شود. حروف‌نگاری آن به شیوه جدید انجام گرفته و صفحه‌آرایی و کیفیت چاپ کتاب مناسب و صحافی آن متوسط است. براساس نمونه‌خوانی، اغلاط کتاب کم است.

به‌رغم آن‌که مؤلف از روش ساده‌نویسی استفاده کرده است و اثر حاضر در مجموع از نظر رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش ادبی خوب ارزیابی می‌شود، متن هم‌چنان به ویرایش علمی نیاز دارد؛ برای مثال در صفحه ۱۳۲، در دو جمله متوالی، گاهی از اسناد حقوقی و در جمله دیگر سند حقوقی استفاده شده است. استفاده از برخی عبارات و اصطلاحات نه‌چندان مناسب در صفحات دیگر نیز مشهود است؛ برای مثال، در صفحه ۱۷۹ در دو سطر متوالی هم عبارت «دولت‌های ذی‌ربط» و هم عبارت «دولت‌های ذی‌نفع»، در صفحه ۹۰ عبارت «دولت‌های تحمیلی» و در صفحه ۱۰۰ اصطلاح «تصرف عدوانی یک سرزمین»، یک اصطلاح حقوق خصوصی، به کار رفته است. بنابراین، اگرچه نوشته از نظر ادبی روان و رساست به ویرایش زبانی و علمی نیاز دارد.

۴. نقد و ارزیابی محتوایی

۱.۴ فهرست مطالب

فهرست مطالب منطقی در کتاب به چشم نمی‌خورد. اول، به لحاظ نحوه تقسیم‌بندی موضوعی، هم‌چنان‌که در قسمت معرفی اثر گفته شد، کتاب در نوزده فصل تنظیم شده است. این نوع فصل‌بندی و حتی عناوین منتخب برای فصول خیلی به فهرست مطالب کتاب حقوق بین‌الملل اثر ربکا والاس (۱۳۹۰) شبیه است، به‌جز چند فصل دیگر که به آن فهرست افزوده شده است.

دوم، بین عناوین فصول نظم منطقی برقرار نیست؛ برای مثال، عنوان فصل پنجم، شخصیت بین‌المللی، با عناوین فصول شش تا هشت در عرض هم نیستند، زیرا موضوعات شناسایی، اکتساب سرزمین، و صلاحیت ذیل عنوان کلی دولت به‌منزله یک شخصیت بین‌المللی قرار می‌گیرد. ترتیب فصول نیز از هیچ قاعده‌ای تبعیت نمی‌کند؛ برای مثال، معلوم نیست که چرا حقوق بشر در فصل شانزدهم بعد از مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و قبل از حقوق هوا و فضا جای گرفته است. چه‌بسا بهتر بود که بعد از فصل پنجم مربوط به شخصیت بین‌المللی درج می‌شد.

سوم، در درون هر فصل عناوین پشت‌سر هم چیده شده است، ولی منطق این چینش درک‌شدنی نیست؛ برای مثال، در فصل شانزدهم عناوین اصلی مربوط به حقوق بشر و عناوین زیرمجموعه آنها اصلاً تشخیص‌دانی نیستند. عنوان شورای امنیت در عرض شورای حقوق بشر و دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است (امیدی ۱۳۸۸: ۳۱۵-۳۱۶).

درحالی‌که تقسیم‌بندی منطقی مباحث در یادگیری بسیار مؤثر است، در این کتاب ذیل هر فصل تقسیم‌بندی موضوعی مشخصی دیده نمی‌شود. برای مثال، در فصل هشتم بعد از عنوان «مبانی صلاحیت» (همان: ۱۰۸) و در عرض آن، عنوان «بدعت آمریکا» (همان: ۱۰۹) قرار گرفته است که منطق مشخصی را بین دو عنوان نمی‌توان فهمید. هم‌چنین ذیل فصل پنجم مربوط به شخصیت بین‌المللی، بعد از عنوان «دولت» (همان: ۷۶)، عنوان «وضعیت حقوقی دولت‌های مرکب» (همان: ۷۹) درج شده است، درحالی‌که عنوان «دولت‌های مرکب» فرع بر عنوان کلی دولت به‌طور مطلق است.

چهارم، عناوین بعضی از فصول نیز دقیق نیست و با عناوین مرسوم و پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل متفاوت است. این تفاوت‌ها چنان‌چه قابل توجیه نباشد، جای بحث دارد؛

برای مثال، عنوان فصل دوم «فلسفه حقوق بین‌الملل» است، درحالی‌که مطالب ذیل این فصل، اولاً در اکثر کتب حقوق بین‌الملل که در سال‌های اخیر به‌رشته تحریر درآمده، به‌دلیل لزوم رعایت سقف کمی صفحات کتاب و پرداختن به مباحث اصلی، از سرفصل‌های جدید حذف شده است.^۳ ثانیاً، این مطالب با عنوان «مبانی حقوق بین‌الملل» بحث می‌شود و عبارت «فلسفه حقوق بین‌الملل» مرسوم نیست (در این باره، بنگرید به ضیایی بیگدلی ۱۳۹۵؛ Nguyen et al. 1992). هم‌چنین، در فصل سیزدهم از عنوان «حقوق جنگ» استفاده شده است. درحالی‌که به‌دلیل ممنوع‌بودن جنگ و ممنوعیت تهدید و توسل به زور، اصولاً این واژه به‌کار نمی‌رود. از سوی دیگر، مطالب ذیل این فصل بخشی مربوط به اصل عدم توسل به زور و استثنائات آن است و بخشی دیگر مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه. اصطلاح حقوق جنگ در دوره‌های گذشته درباره قواعد حاکم بر مدیریت مخاصمات مسلحانه و شیوه‌های جنگیدن و محدودیت‌های مربوط به به‌کارگیری برخی از انواع سلاح‌های متعارف یا غیرمتعارف به‌کار می‌رفت (در مورد این مباحث، بنگرید به ضیایی بیگدلی ۱۳۹۵: ۴۶۲).

در نهایت، برای فصل پانزدهم درباره مباحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، این عنوان انتخاب شده است: «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال بیگانگان و محیط زیست» (همان: ۲۸۳). این عنوان به چند دلیل دقیق نیست. عنوان مزبور نه تنها از چندین دهه گذشته به‌کار نمی‌رود، بلکه محتوای مباحث امروزی حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را بر نمی‌تابد. از یک سو، عبارت «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال بیگانگان» عنوانی است که در دوره پیش از بررسی موضوع مسئولیت دولت‌ها در کمیسیون حقوق بین‌الملل در دکترین و رویه دولت‌ها معمول بود و اولین گزارش‌گر ویژه این موضوع در کمیسیون، گارسیا آمادور، نیز تقریباً همین عنوان را به‌کار برده بود که با انتقادات زیادی از سوی اعضای کمیسیون و مجمع عمومی سازمان ملل متحد مواجه شد (International Law Commission 2015: July 15). علت اصلی این انتقادات این بود که گزارش‌های آقای آمادور، به‌تأثیر از پیش‌نویس پژوهشی دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۲۹، مسئولیت دولت را فقط به حوزه حمایت از حقوق سرمایه‌گذاری خارجی و به‌طور خاص مسئولیت دولت در قبال زیان‌های وارده بر جان و مال بیگانگان محدود کرده بود.^۴ در دوره تصدی گزارش‌گر دوم، روبرتو آگو (از ایتالیا)، با هدف تمرکز بر تدوین و توسعه یک مجموعه جامع از قواعد ثانویه کلی حاکم بر مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از نقض هرگونه تعهد بین‌المللی، از جمله مسائل مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاری، عنوان «مسئولیت دولت» انتخاب شد (کرافورد ۱۳۹۵: ۵۶-۶۱).

از سوی دیگر، در خصوص قسمت دوم عنوان فصل پانزدهم، یعنی مسئولیت در قبال محیط زیست، گفتنی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۳ به کمیسیون حقوق بین‌الملل توصیه کرد که به موازات بررسی موضوع «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی» (responsibility of states for internationally wrongful acts)، موضوع مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال منع‌نشده و خطرناک را نیز مورد مطالعه قرار داده و نتیجه را گزارش دهد. کمیسیون در اجرای قطع‌نامه مجمع عمومی موضوع «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال آثار زیان‌بار ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل» (international liability for injurious consequences arising out of acts not prohibited by international law) را در دستورکار قرار داد. در سال ۱۹۹۷، کمیسیون حقوق بین‌الملل تصمیم گرفت تا این پروژه را به دو موضوع «جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک» (prevention of transboundary damage from hazardous activities) و «مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک» (international liability in case of loss from transboundary harm arising out of hazardous activities) تقسیم کند.^۶ گفتنی است که پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه و نیز پیش‌نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک در سال ۲۰۰۱ و پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک در سال ۲۰۰۴ از سوی کمیسیون نهایی شده و به مجمع عمومی ملل متحد گزارش شده است.

۲.۴ منابع و نحوه ارجاع‌دهی

منابع این کتاب دست‌اول نیستند. به عبارت دیگر، از آرای قضایی و داوری بین‌المللی و اسناد بین‌المللی، به‌ویژه قطع‌نامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، استفاده مناسبی نشده است. برای مثال، آرای دیوان بین‌المللی دادگستری امروزه یکی از منابع فرعی مهم حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که در تبیین و تفسیر بسیاری از مفاهیم حقوق بین‌الملل راه‌گشایند. در این اثر به جرئت می‌توان گفت که آرای دیوان تقریباً مغفول واقع شده است. قطع‌نامه‌های مهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد مانند اعلامیه حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی (۱۹۶۲)، اعلامیه نظم نوین اقتصادی بین‌المللی (۱۹۶۲)، و قطع‌نامه منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴) نیز در تبیین برخی از مباحث می‌توانستند مفید واقع شوند.

ثانیاً، کتب مورد استفاده نیز اغلب منابع معتبری در حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌شوند. به نظر می‌رسد که کتاب با استفاده از چند منبع در دست‌رس نویسنده تهیه شده است. در حالی که منابع متعددی اعم از کتاب و مقاله راجع به حقوق بین‌الملل، چه به زبان فارسی و چه به انگلیسی، در دست‌رس است که بهتر بود از آن‌ها استفاده می‌شد.^۷ دقت در استنادات و ارجاعات علمی از نظر شیوه منبع‌دهی متوسط ارزیابی می‌شود، اما از لحاظ کیفیت رعایت امانت‌داری، این اثر خوب ارزیابی می‌شود.

۳.۴ فقدان نوآوری در اثر

کتاب حاضر خلاصه‌ای از برخی مباحث حقوق بین‌الملل بوده و بسیاری از موضوعات، مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. اصولاً، هدف نوشته شده نویسنده نیز بیش‌تر ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات تستی حقوق بین‌الملل در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل بوده است. بنابراین، برخی مباحث به صورت جزوه‌وار تبیین و توصیف شده و نوآوری خاصی در تبیین حقوق بین‌الملل ندارد. بدین ترتیب، اثر حاضر به یک نوشته مختصر و تک‌جلدی از حقوق بین‌الملل با استفاده از منابع موجود در بازار تبدیل شده است که از این منظر، نمی‌توان خلاقیت ویژه‌ای در آن سراغ گرفت. بیش‌تر مباحث مطرح شده در کتاب، به صورت کلی و کلاسیک و بدون توجه به تحولات حقوق بین‌الملل در دهه اخیر تبیین شده است. برای مثال، در فصل شانزدهم موضوع مهم «حقوق بشر» در ۱۹ صفحه بدون استنادات لازم به منابع حقوق بشر، از جمله آرا و تفاسیر نهادهای نظارتی حقوق بشر، به اجمال بررسی شده است و به تحولاتی جدید در خصوص حق‌های بشری نسل دوم و سوم، جهان‌شمولی حقوق بشر، و تنوع فرهنگی اشاره‌ای نشده است (همان: ۳۰۱-۳۲۰).

از موضوعات مهم در حوزه حقوق بشر امکان اعمال شرط بر معاهدات حقوق بشری است. در صفحات ۱۳۸ تا ۱۴۰ این کتاب، حق شرط فقط در پرتو کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات و با عناوین شروط و آثار حق شرط بحث شده است، اما از هر اثری با عنوان حقوق بین‌الملل انتظار می‌رود که ضمن بیان مفهوم شرط، به چالش مربوط به اعمال حق شرط بر معاهدات حقوق بشری، که در کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز مدت‌ها مورد بحث بوده است، بپردازد.

۴.۴ سازگاری اثر با مبانی اسلامی و نظام حقوقی ایران

محتوای اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های موردقبول سازگاری اندکی دارد. بدین صورت که هیچ‌گونه اشاره‌ای به مبانی و منابع اسلامی ناظر بر روابط و حقوق بین‌الملل نشده است. از کتابی که فصل دوم آن به بررسی «فلسفه حقوق بین‌الملل» اختصاص یافته است، انتظار می‌رود که در کنار بررسی مکاتب مختلف مربوط به مبانی حقوق بین‌الملل به آموزه‌ها و اصول اسلامی ناظر به روابط بین‌الملل نیز اشاره‌ای هرچند کوتاه داشته باشد. هم‌چنین، در فصل سوم در تبیین و تحلیل رابطه حقوق بین‌الملل با حقوق داخلی جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران باید مورد توجه قرار گیرد و نسبت معاهدات و قواعد عرفی و اصول کلی حقوقی با منابع حقوق داخلی، به ویژه قانون اساسی و قوانین عادی تحلیل شود. در حالی که در صفحه ۵۱ تنها در هشت سطر چند جمله‌ای درباره نظام حقوقی ایران نوشته شده است. با وجود این، نویسنده محترم فرصت را غنیمت شمرده و به اصل ۳۲۴ قانون اساسی نیکاراگوئه نیز در این باب اشاره کرده است.

۵.۴ تناسب‌نداشتن کمی بین فصول

در حالی که برخی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل به صورت مختصر و گذرا بررسی شده و حق مطلب ادا نشده است، در فصل هجدهم مبحث «سازمان‌های بین‌المللی» در حدود ۱۰۰ صفحه به تفصیل بحث شده که این امر سختی با سایر مباحث و فصول کتاب ندارد. در حالی که درس سازمان‌های بین‌المللی به ارزش دو واحد مستقل از حقوق بین‌الملل در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود و منابعی نیز به‌طور مستقل در تبیین آن به‌نگارش درآمده است.

از سوی دیگر، با توجه به سرفصل‌های مصوب حقوق بین‌الملل که در دو ترم به صورت حقوق بین‌الملل ۱ و ۲ ارائه می‌شود، برخی سرفصل‌ها از جمله مصونیت دولت‌ها، سرمایه‌گذاری خارجی و حقوق بین‌الملل توسعه در کتاب نادیده گرفته شده است.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب حاضر خلاصه‌ای جزوه‌وار از مباحث حقوق بین‌الملل است، در حالی که کتاب‌هایی با عنوان حقوق بین‌الملل چاپ شده‌اند که جامع‌تر به مباحث پرداخته‌اند. بنابراین، توصیه می‌شود که نویسنده در ادامه زحماتی که برای تهیه کتاب کشیده است، با بازنگری در

مباحث و توجه به تحولات نوین حقوق بین‌الملل و با بهره‌گیری از منابع جدید اثری روزآمد و هم‌راه با خلاقیت در تنظیم و ارائه مطالب عرضه بدارد. استفاده مؤثر از نمودار، درج پرسش‌هایی در آخر هر فصل، به‌کارگیری آرا و نظرهای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در تفسیر برخی از مباحث می‌تواند در این مسیر راه‌گشا باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در سال ۱۳۷۴، به‌منظور کمک به اعتلای علوم انسانی، بازشناسی نقش محوری آن در برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی و نقد و بررسی متون و کتب درسی و کمک درسی دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم انسانی، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تأسیس شد. طبق اساس‌نامه شورا که در ۱۳۷۴/۹/۱۴ به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید، ساختار سازمانی این شورا به شرح زیر است: ۱. شورا (متشکل از رؤسای گروه‌های تخصصی و عده‌ای از صاحب‌نظران رشته‌های علوم انسانی)، ۲. هیئت ارزیابی متشکل از رؤسای گروه‌های تخصصی هم‌سو یا نماینده آن‌ها، ۳. گروه‌های تخصصی نقد و بررسی، ۴. گرایش‌های موجود در گروه‌های تخصصی، ۵. دبیر، ۶. دبیرخانه.

در حال حاضر، شورای بررسی متون، برحسب رشته‌های علوم انسانی، از گروه‌های تخصصی زیر تشکیل شده است: ۱. زبان و ادبیات فارسی، ۲. زبان و ادبیات عربی، ۳. اقتصاد، ۴. تاریخ، ۵. روان‌شناسی، ۶. زبان‌های خارجی، ۷. علوم اجتماعی، ۸. علوم تربیتی، ۹. علوم سیاسی، ۱۰. فقه و حقوق، ۱۱. فلسفه و کلام، ۱۲. مدیریت، ۱۳. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۴. باستان‌شناسی، ۱۵. زبان‌شناسی، ۱۶. هنر، ۱۷. انسان‌شناسی.

۲. توماس هابز از جمله کسانی است که به‌وجود حقوق در جامعه بین‌المللی اعتقاد نداشت و در کتاب *لویاتان*، دولت را به‌وجود مقتدری تشبیه می‌کند که مانند افراد در حالت طبیعی به‌طور انفرادی و آزاد زندگی می‌کنند و در روابط آن‌ها حقوق موضوعه‌ای وجود ندارد (ذوالعین ۱۳۷۷: ۴۰۸-۴۰۹).

۳. در کتاب‌های درسی مهم، بحث مبانی حقوق بین‌الملل از سرفصل‌های این درس حذف شده است (بنگرید به کاسسه ۱۳۸۵؛ والاس ۱۳۹۰؛ Shaw 2008; Brownlie 1998).

۴. در یادداشت مقدماتی این پیش‌نویس آمده بود: «غرض از حقوق مسئولیت دولت این بوده که افرادی که به کشورهای بیگانه عزیمت می‌کنند یا در آن اقامت می‌گزینند، مشمول حمایت حقوق بین‌الملل واقع شوند و علقه‌های اجتماعی، اقتصادی میان دولت‌ها تقویت گردد. هیچ دولتی، فارغ از این‌که چه فلسفه سیاسی یا اقتصادی‌ای داشته باشد، نمی‌تواند نسبت به بدرفتاری با اتباع خویش در کشورهای بیگانه بی‌اعتنا باشد». به‌نقل از: کرافورد ۱۳۹۵: ۵۹.

5. Resolution 3071 (XXVIII) of 30 November 1973.
6. *International Law commission, Analytical Guide to the Work of the International Law Commission: International Liability in Case of Loss from Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities*: <http://legal.un.org/ilc/guide/9_10.shtml>.
۷. برای مثال، این کتاب‌ها که در زمان انتشار اثر موردنظر چاپ شده بودند و از جمله منابع معتبر در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند: کاسسه ۱۳۸۵؛ والاس ۱۳۸۷.

کتاب‌نامه

- امیدی، علی (۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل از نظریه تا عمل*، تهران: میزان.
- ذوالعین، پرویز (۱۳۷۷)، *مبانی حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵)، *حقوق جنگ؛ حقوق بین‌الملل مخصصات مسلحانه*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۵)، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان.
- کرافورد، جیمز (۱۳۹۵)، *حقوق مسئولیت بین‌المللی: قواعد عمومی*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل و همکاران، تهران: سنگلج قلم.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- والاس، ربکا (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- Brownlie, Ian (1998), *Principles of Public International Law*, (5th ed.), Oxford: Clarendon Press.
- International Law commission, Analytical Guide to the Work of the International Law Commission: International Liability in Case of Loss from Transboundary Harm Arising out of Hazardous Activities*: <http://legal.un.org/ilc/guide/9_10.shtml>.
- International Law Commission, Summaries of the Work of the International Law Commission* (2015, July 15): <http://legal.un.org/ilc/summaries/9_6.shtml>.
- Nguyen, Q. Dinh, P. Daillier, and A. Pellet (1992), *Droit International Public*, (4^{ed}, L.G.D.J.), Resolution 3071 (XXVIII) of 30 November 1973: <[http://legal.un.org/docs/?symbol=A/RES/3071\(XXVIII\)](http://legal.un.org/docs/?symbol=A/RES/3071(XXVIII))>.
- Shaw, Malcom (2008), *International Law*, (6th ed.), Cambridge: University Press.